

فرمان باج و شلاق

شاه در ۶ آبانماه اسامال طی یادداشتی به هید نخست وزیر خود فرمان تازه ای صادر کرد ، که بلافاصله رونموی به موضوع تازه ای برای چاپلوسی مداحی و رجزخوانی مطبوعات درباری کشورگاسه - لیسان رژیم طغیان بدیل گشت . آنچه مفاد این " دستخط همایونی " انعکاس میدهد ، ادامه و تعمیق بحرانیت کثرت در اقتصاد کشور و در سیاستهای اقتصادی و اجتماعی رژیم بد سیاست بوجود آمده و واکنش کارزار گسترده ای را از سوی حکومت استند ای - فاشیستی شاه طلب کرده است . در یادداشت شاه میخوانیم : " کشور ما امروز در مرحله ای از رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی گام بر میدارد که تمام کوشش دولت و حزب و عموم افراد ملت ایران باید معطوف باین امر باشد که از هرگونه ضایعات و اتلاف نیروی انسانی و تولیدات کشاورزی و صنعتی و تأخیرها و نارساییهایی که موجب ضایعات میگردد ، باین برنامه ریزی دقیق و حساب شده و نظارت و بازرسیهای دقیق جلوگیری بعمل آورند . " در یادداشت نامبرده طی اعلام و فقره از این باصطلاح " ضایعات و نارسایی ها " ، علاوه بر ادامه و تعمیق رکود و نابسامانی در کشاورزی و صنایع کشور ، " تنگنا های " بنادر و حمل و توزیع کالا و خواه و ناخواه استوار سازگاری کشور ، عدم توانایی رژیم برای اجرای طرح ها و نوظهور های آموزشی خود ، بلا تکلیف ماندن " بعضی طرح ها در برنامه های عمرانی گذشته و فعلی " - " - " ، سطحی سازی تعاونیهای روستایی " و " صرفه که ایضا به بازگشت داخلی مربوط میشود ، اختلال در کار دستگاههای مربوط به " بیمه های گوناگون " ، کمبود نیروی و خاموشی های متناوبه و سایر موارد ، یعنی عملاً به ادامه و تعمیق وضع بحرانی در همه چیز همه چی افرار شده است ، بحار ت در بگر سیاستهای برنامه ها رژیم طی سالهای اخیر ، با وجود همه کارزارهای خشن و پندانه ای که برای تحمیل نتایج سوء وضع بحران کنونی بردوش زحمتکشان و قشرهای مبنایی جامعه از وسایل پیش بانظری برای افتاد ، نتوانست رژیم طغیان و خائن پهلوی را از بحران زدگی و مهلکه افلاس نجات بخشد . بپروژه کاهش نسبی درآمد های نفتی دولت ، که آنچه هم بود بحار و نظامی و غیر تولیدی رسید و نیز توقف شاه و گزافه لیسان در رسار بالا کشیده شد ، و نیز سیاستی بنده و بار وارد اتسی رژیم ، که در های ملکت را چهارطاقی بروی اجناس بیگانه کشید ، اکنون نتایج سوء خود را در تشدید بحار و فشار بر سطح زندگی مردم نشان میدهد .

اکنون بموجب فرمان شاه تنها راه چاره برای رژیم محمد رضاشاهی ، برآه انداختن یک کارزار جدید همه جانبه و مترکز در زیر نظر مستقیم دربار یعنی آنچه که بنام " کمیسیون شاهنشاهی " مرکب از رؤسای دفتر مخصوص شاه ، بازرسی شاهنشاهی و بازرسی ویژه نظامی تشکیل شده است ، میباشد . بدینسان مقصد رژیم کشاندن همه امور اقتصادی و اجتماعی کشور از دایره داخلی صنایع و کشاورزی گرفته تا جنگو پلیس بشرفته امور آموزشی و غیره ، ب زیر کنترل مستقیم و پارتی و تحت فرمان هیئت مترکز آنان در دربار پهلوی است .

هدف اساسی " فرمان " کدائی ، فرار از زیر خائن و وطنل العنای پهلوی ایلملکلی بحران مانی ، اقتصاد ، دی و اجتماعی کنونی بقیامت نشدنی استعمار کارگران وزدن از دست ستمها ، بیگاری کشیدن از ستمگران ، مزد بگوران و حقوق بگوران دردها ، بنادر کشور و حتی موسسات آموزشی کشور ، بیکار کردن دهها هزار نفر از کارگران ادارات و موسسات در افلاس ماندن و دلتی در شرایط بحران کنونی ویستن همهی مردم به باج و خراج ، بعنوان جریمه و مالیات ، و همه اینها هم با توسل به زور و تازیانه پلیس و ارتش است . بیهوده نیست که مطبوعات جیره خوار رژیم با انتشار " فرمان " تازه از آغاز یک " انقلاب معنوی و انضباطی " یعنی بیگاری کشیدن و باج گرفتن بزرگ اجباری کم میزند مردم را به " صرفه جویی " و " انضباط " یعنی به گرسنگی کشیدن و گردن نهادن به دستورات پلیس و حکومت پلیس فرامیخوانند . رژیم تحمیلی نژاد گوی شاه میکوشد تا توان وضع بحرانی کنونی را که خود و سیاستهای ضد خلقی و خائفانه اش بوجود آورده اند از مردم ایران ، که ازاد امینی این وضع ویس حقوقی خود دیگر ندیده اند ، بستانند .

انتخاب بر شهیدان انقلاب

در پایان ماه آبانماه ، سه انقلابی کونیست دیکر ، رفقا بهرام آرام ، محمد حاج شفیعپا و حسن باقری ، بدست قداره بنده ان واد مکشان رژیم نیکار شاه شهیدان رسیدند و نامشان در لوحی شهیدان راه آزادی و استقلال و جنبش انقلابی رگسود . نیستی ایران جاوید ان گردید . شهادت ترضیح بهرام آرام کماز هرمان سازمان مجاهدین خلق بود . فاست به تنها ضربه ای به این رفقا ، بلکه ضایعه ای برای عموم عی جنبش کونیستی وطن ماست . در همین شبهد بدیکر نیز از اعضای همین سازمان بود فاند . در بد به اراد ی آهمنین ویاد جاوید شان . در طول ماهی کماز آغاز جاری میگردد ، به همبامباران فغانی بدست جلازاد سازمانیت شاه شهادت ت رسید و صد هاتن دیکر سکتورهای شکجنگاهایی قرون وسطایی گردید فاند . هر روز که میگردد راهبایی از رفتن بحرانی کسراپای جامعه را فرارگفته بود برآبرشد و گسترش بهضت تود های مردم ، و هم زمان جانی بیست فطرت شاه در اعمال تیر فاشیستی خود لجا سخته تر شد و مکان راهسواکی و ابشتر و بیشتر بجان مردم مینافتند . ارتجاع سلطنتی ایران ، صفوف پرشکاف و تضاد ، گریبانش در بحرانی سخت شکننده و فزاینده و گرفتار ، ناتوان از حل معضلات متعدد اقتصادی - سیاسی

کنگره پرافتخار

هفتمین کنگره ی حزب کارآلبانی ، حزب پرولتاریای آلبانی ، اخیراً به کار خود با موفقیت پایان داد . برگزاری این کنگره و این واقعیت که گزارش فعالیت حزب پیروزند و آزموید های آنهم توسط مارکسیست لنینیست بزرگ و محبوبی چون رفیق انور خوجه ، ایراد میشد ، توجه عموم کونیستها و انقلابیون جهان را بسوی خود معطوف داشت . به علاوه ، برگزاری کنگره ی چنین حزبی در موقعیت بحرانی بر حادته و بفرخنج بین المللی - شرایطی که از یکسو بحران معنی امپریالیسم ، روزینویسم و رژیم های ارتجاعی را فاسد کرده و از سوی دیگر برانگیزی و یارهای آشفته گیای شوربکی همچنان گریبانگرنش جنبش کونیستی و کارگری بین المللی است - اهمیت ویژه ای پیدا میکند . براساس هم گزارش ۳ ساعته بسیار مهم رفیق انور خوجه باین کنگره و جایگاه مهمی که در این گزارش به تحلیل بررسی و تفکیک از اوضاع و احوال بین المللی ، مسائل استراتژی و تاکتیک جنبش انقلابی بی کارگری و جنبش ضد امپریالیستی خلقها ، بطرح و بحث بگرفته مسائل بگرفتاریهای جنبش کونیستی جهانی داده شده بود ، پاسنگوی بسیاری از انتقادات و راه - کمازی بسیاری از معضلات مقابل پای کونیستها - سرجهان و از جمله کونیستهای مبین ما بود . گزارش رفیق انور خوجه به هفتمین کنگره ی حزب کارآلبانی نه تنها پشت محکم بر روزی امپریالیسم ، روزینویسم و ارتجاع جهانی بود بلکه با کشودن چشم اندازهای تازه ای در مسر حرکت کنونی و آتی انقلاب جهانی میتواند در ارفع برانگیزی و آشفته گیای بگری درون جنبش کونیستی بین المللی بعنوان راهمما و سلاح موثری بکاربرد و شود ، وسیله آموزشهای بقیه در این گزارش ، تحلیل های دقیق که از اوضاع و احوال جهان کنونی ارائه شده ، و موضع پر خور و صریح رفیق انور خوجه بیک رشته از مسائل تئوریک و عملی مهم - مبارزه ی انقلابی ، میتواند و مینماید مورد بررسی و ارزیابی خلقی همی کونیستهای جهان ، از جمله کونیستهای مبین ما ، قرارگیرد . کاری کما تنیسوسیم خود خواهیم کرد .

در اینجا فقط انبرامیگویی که بپام اصلی رفیق انور خوجه در این کنگره به پرولتاریای جهانی و خلقها ستندیده ، و به ماکونیستها ، این بود : ابرقدرت های امپریالیستی آمریکا و شوروی بزرگترین دشمنان بشریت ستندیده و آزادی و استقلال همی ملل اند ، که همراه

لیدی تیزکار از جده بد حکومت محمد رضاشاهی و قداره بنده ان شاه متوجه طبیقی کارگر ایران است که طی ده سال گذشته با شرکت صد ها هزار نفر در اعتصابات بسیاری در کار خاجات کشور برای بهبود شرایط زندگی و علیه استعمار سرمایه در ایران و شر - کتهای امپریالیستی مبارزه برخاسته و در سراسر اجحافات و زو رگویی های دولت و تشدید بد و تنها حمایت پلیس و ارتش قهرمانانه مقاومت کرده است . بیهوده نیست که بلافاصله پس از انتشار فرمان شاه سناتور لا - جوردی ، نایب رئیس اتاق صنایع و معدان ایران ، از سرمایه در ایران گردن گفت کشور " از جمله موارد مهم " از هم کاری و کار نکردن در دانی و کامل کارگران در کارخانه های دولتی و خصوصی یعنی در اوضاع از قواوت کارگران در برابر تشدید استعمار و اعتصابات کارگری شکایت میکند و منوجه آنهم زور کاروا مو اجتماعی شاه غریبه کشان ، کارگران را تشدید میکند : " در محیط کارنظم باید جانشین هرمنطق شود تاهرگونه انحراف ازین برود . هر نوع هرج و مرج و بهر قیاس و در هر سطح در ایران محکوم است " استعمارگران و سنجوکیه رژیم طغیان و فاشیستی آنان بارها اعتصاب و مبارزه بین کارگران را بعنوان " انحراف " و " هرج و مرج " محکوم کرده و اند ولی هیچیک بجایی نرسیده و جنبش اعتصابی طبیقی کارگر همچنان به سیر خود ادامه داده است . بزم عمال خود فروخته ی رژیم اکنون که کارگران مبارزه و اعتصاب برخاسته اند گویا کارگاهها و صاحبکار را ، در برابر کارگرمیند و وام و مزد و آزادی زیاد استعمار می کنند " (امریانی در اطلاعات ۱۹ آبان ۱۳۵۵) -

سی و اجتماعی هر اسان از سبقت رسیدن کارگری و همی مردم و پروا همه از اعتلا و گسترش جنبش کونیستی ، شهباره راد توسل بازم بشرفته استند اد و فاشیسم ماید . عاقل از اینکه ، این راه بی برگشت نه بسوی تحکیم تاج و تخت لیزان محمد رضاشاه ، بلکه بسوی مفاکی است که مردم وطن ماری ایورد اردو ستفاتی کند فاند . نه جنبش کارگری و کوم نیستی و نه نهضت دموکراتیک ملی ایران ، در مقابل سرزینی فاشیسم پهلوی و جنبش - ابتکاری و خونریزی بحسب آن ، گردن نخ نخواهند نمود . تجربه همه نهضتسای انقلابی در جهان و از جمله در همین ما ایران ، نشان داده است که مردم یک سرزمین چنانچه اراد به کرده و بر خاسته و سلحانه به بیگاری ارتجاع و امپریالیسم پهلوی ازین قدرتی شکست ناپذیرند .

بگذ ارجلاد ان ساواکی در این شبهد باشند که با شهادت آرام ، باقری و شفیعپا آخرین گروه مبارزان از زمین برده اند صد ها هزاران قهرمانی چون آنان که هر روز در این انقلاب پرزیر این خلق قدم بعرضی بیکار مینهند ، از هم کارگران جویبی در این راه برای خلق آویز گردن شاه و یگماشتگان در مبارزه ساواکیست بیگردد فاند . اطمینان داریم که این ضررهای اخیراً هم ، رفقا ماید با اراده ی آهمنین جبران کرده و به پیگرد این رفقای رژیم شاه تیز خواهند کرد .

قدرت و اعمالشان بر علیه این کشور و چون سنگ خارا از سوی - سیالیسم در کشور خود دفاع میکند ، و شهادت ت گزارش فعالیتهای حزب ، و همی زمینه های اقتصادی و اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی موقع خود در عرض بین المللی ، به پیشرفت های پیروزیهایی در رخشان نا تلگشته است . تمام برنامه های مصوبه ی کنگره ی ششم حزب با موفقیت انجام رسیده و مردم آلبانی از فغان و آسایش عالی تری بر خورند فاند . اند برامی و وسالیه ی پنجم که برای سالها ۱۹۷۵-۱۹۷۰ تدوین شده بود ، بانتایج شگرفی در تمام زمینه ها نتوانست تولید سوسیالیستی را در عرض این مدت پیش از ۷۳٪ درآورد ولی رابه نسبت ۳۸٪ افزایش داده و از آنهمند متوسط رشد تولید سالانه ای بیش از ۳ برابر رشد سالانه ی جمعی بر خورند . تولید صنعتی - کونیستی آلبانی اکنون هم از یک تولید صنعتی - کونیستی این کشور را تشکیل میدهد که نسبت سال ۱۹۷۰ بیش از ۵۲٪ رشد را نشان میدهد . در تمامی این مدت نه تنها قیمت اجناس مصرفی عرضه شده و افزایش نیافته بلکه بطور ناگهانی کاهش یافتند ، درآمد واقعی سرانه مطابق با اهداف کنگره ی قلی ۴/۵٪ بالا رفت و اکنون مردم از قدرت خرید فزاینده بیشتری برخوردارند . آلبانی ، که روزی در جنگال فاشیسم و کشتوری عقب مانده بود ، امروزه در زیر فرمان پرولتاریای ازین اقتصاد سالم و شکوفان سوسیالیستی برخوردار است ، هم اکنون ۸٪ از نیازهای صنعتی و کشاورزی جمعیت خود را برآورده و میسازد و دارای صنایع پیشرفته و کشاورزی مکانیزه با سطح بازدهی عالی و بقیه در صفحه ۳

از آغاز شروع برنامه پنجم ، رژیم ارتجاعی ایران تبلیغات امنه در اری را در مورد لزوم استفاده از - رجیان اقتصاد نموده است تا از اینراه به باصطلاح شکو - فانی افتاد ایران رابه نمایش گذارد و به ایسکه برده ای بر روی واقعیت در آلبانی و در ایران بکشد و اقتصاد ایران را در چار کمبود نیروی کار معرفی نماید که گویا هر چوینده کاری در ایران بسادگی قادر بیافتن اشتغال است . لازم است که برده و از روی این گونه تبلیغات عوام فریبانه کارزده شود و واقعیت بیگاری در ایران آنجنان که هست عیان گردد . بدین منظر ما میگوئیم بقیه ی وجودی ادای اشتغال کامل در ایران را بر بر منای آمارهای خود رژیم نشان دهیم و سپس واقعیت بیگاری در ایران را توضیح داد و آنگاه بدلائل و چگونگی استفاده از نیروی کار خارجی در ایران بپردازیم .

۱- امر قاسم معینی وزیر صنایع کاروا مو اجتماع - عی با وفاحت تمام در گفتران جهانی اشتغال اعلام نمود که : " ما در اوایل برنامه پنجم به اشتغال کامل دست یافتیم " (اطلاعات ۲۲ خرداد ۱۳۵۵) . آبیایک چنین ادعای عوام فریبانه ای حتی با آمارهای دروغین و ساد - خشی خود رژیم هم مطابقت دارد ؟ البته در میان آمار ایران آنچه که وجود خارجی ندارد آمار بیگاری واقعی است که ما در رجای د بگردیم ان می برد ایم . اما در اینجا بگوئیم که هر چند سالی بیکار منابع دولتی ، آساری در راهی بیگاری (در جستجوی کاروفصلی) منتشر میکنند و گدشته از اینکه حتی همین آمار نیز در ماخذ متفاوت ، اختلاف فاحش دارند و اینکه این تعاریف بیگاری متد اول در اقتصاد سرمایه در این قابل انطباق با اقتصادی عقب مانده و مستند چون اقتصاد ایران نیست ؛ باز هم همین ارقام نانی ادعاهای کذاب ، وزیر کارند .

اوایل برنامه پنجم ، یعنی اوایل سال ۱۳۵۴ ، حال بجنیم در همان دوران ارقام رژیم چه میگویند . حد اقل تعدد بیگاران آنکاروفصلی در سال ۱۳۵۱ - ۵۰ هزار نفر اعلام میگردد (اطلاعات ۱۹ اردی - بهشت ۱۳۵۱) ، و آبیای ممکن است که حتی اگر اهنگ افزایش نفوس جمعیت را هم صفر بگوئیم ، بر منای معجزه ای این تعدد اند در طول یکسال بیاحتی در وسایل و بیشتر به صفر رسیده باشد ؟ برای نشان دادن اینکه بقیه در صفحه ۴

کارگرنیست یا کار نیست؟

کارگرنیست یا ...
 اگر هم این معجزه "آریامهری" به صرف گردش زبان یاوه گویان مرتجع میسر باشد در واقعیت سخت و در ناک جامعه غیر ممکن است ، خوبت بررسی را گسترز متر کرده و کل طول برنامه پنجم را در نظر بگیریم . تعداد امکان اشتغالی که گویا قرار بوده است در طول برنامه پنجم ایجاد شود از ۱/۲ تا ۱/۳ میلیون در نوسانست ، که این دوی هذیان زسمان اوج رجزخوانیهای رژیم هنگام تجدید نظر در برنامه پنجم بود که گذشت زمان کوتاهی بسرعت آنرا به با یکی فرستاد و مایزد را اینجا همان رقم کوچکتر را میگنیم تا عمق دروغبرداری رژیم آشکار شود .

نخستینینم تصمیم امیرالیستی رژیم در باره این یاوه سرایی چه میگوید . سازمان بین المللی کار در گزارشی که تحت عنوان "اشتغال و سیاستهای درآمدی در ایران - ۱۹۴۳" برای رژیم تهیه کرده است ، در مورد امکان اشتغال ۱/۵ میلیون نفر در طول برنامه پنجم می نویسد :

۱- با امکانات موجود امکان جذب حتی مقدار کمی از نیروی کار کشاورزی غیر ممکن است ، ۲- با سطح تکنیکی کنونی و نسبت سرمایه به کار در صنعت در طول برنامه پنجم ، بخش صنعتی تنها قادر به جذب ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار کارگر خواهد بود . ۳- استخدام ۱/۱ میلیون باقیمانده در بخشهای تجارت ، خدمات و ساختن غیرواقع بیبانه است . ۴- با آهنگ فعلی شهرنشینی ، در خیره بیکاری در مراکز شهری میتوانست نتایج سیاسی و اجتماعی نامناسبی برسد اقتصادی بگذار .

کارشناس دیگر امیرالیستی رابرت لویس در کتاب "توسعه اقتصادی در ایران - ۱۹۴۳" بر مبنای ارزیابی ارزنده اشتغال در ایران می نویسد : "حد اقل در طول دهه آینده ، ایران بارشدن فزاینده نیروی کار (مرد) را روبرو خواهد بود و احتمال برای یک موقعیت اشتغالی و خیم رشد یابنده بسیار است . این بیکارگام یعنی اینکه حتی کارشناسان امیرالیستی نیز به دروغیای حکومت وابسته خود اعتقاد ندارند و امکان اشتغال برای ۱/۵ میلیون نفر را غیر ممکن میدانند تا چه رسد به ۲/۵ میلیون نفر یعنی ۱/۵ میلیون نفر افزایش جمعیت نیروی فعال در طول برنامه پنجم . ۵۰۰ هزار نفر بیکار در آغاز این برنامه و آنگاه

چگونه این میلیون ها یاره سرای آریامهری انتظار دارند مرد می و با گذشت و پوست خود مشکل بیکاری را حل میکنند و آن دیگری که در همان زمان هرزه در میس اینان از جمله در نشریات میخوانند که " کارگر یک کار خیان نان ماشین که بخاطر مازاد بر احتیاج از کار اخراج شده بود بعد از ظهر روزگدشته جلواره غله و نقد و شر خود را آتش زد " (کیهان - ۲۵ خرداد ۱۳۵۵) باور نمائید که هر ایرانی در هر زمان در هر کجاکه بجزستجاری کارآرآید آزار بدست میآورد ...

اما اگر باز هم آنها ایها برای می آبروی این وزیر دلفک پیشه گاهت نمیکند ، خود بیای می آبر کردن کامل خود میورد . بر مبنای گزارش سازمان بین المللی کار " یاد شده در بالا ، سالیانه ۳۰۰ هزار نفر بر مبنای هشتمین گفرانس " ملی " کار (کیهان ۲۷ اردیبهشت

۱۳۵۵) در خلال برنامه پنجم هر ساله بین ۲۶۶ هزار تا ۲۸۷ هزار نفر برده می تازه وارد می به بازار کار ایران افزوده می شردد و آنگاه همین امر قاسم معینی وزیر سابق ضد کارگری آریامهر که گویا مغز طلیعت قدرت درک آرقام خود ساخته اش را نیز ندارد ، باخترا اعلام میکند که : " در سال گذشته حدود ۱۹۰ هزار فرصت اشتغال فراهم آمده است که ۱۱۰ هزار نفر مشغول بکار شدند و حد و حد ۸۰ هزار فرصت اشتغال نیز بجا ماند " (رستاخیز - ۵ بهمن ۱۳۵۵) و لابد به حساب سلافاصله هم نتیجه گرفت که بر بنیشتابیم بسوی اشتغال ام خارجیا برای برکردن جاهای خالی ... اما باید از این دروغبرداری کم حافظه و تنهی مغز پر سید که تکلیف آن ۱۵۲۰۰۰ (۲۶۱۰۰۰ منهای ۱۱۰۰۰۰)

۱۱۰۰۰۰ تا ۱۹۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ منهای ۱۱۰۰۰۰ (بر مبنای ۲۸۷ هزار نفر) که حتی فرصت اشتغالی نیز برایشان فراهم نیاید تا بکارگمارد شوند چه میشود ؟ و چگونه است که با اینکه فقط در طول ۵ ساله برنامه پنجم بین ۲۸۷۰۰۰۰ (۵۰۰ هزار) تا ۱۵۲۰۰۰۰ تا ۹۵۰۰۰۰ (۵۰۰ هزار) نفر از این بزرگواران افراد به خیل بیکاران می پیوندند باز در دولت ارتجاعی شما اشتغال کامل است و ... ۴۰۰ هزار حال خوبی چون در مسال پیش تمدن بیکاران در ایران با این سوزش ، ریش گل این رجالتان صفا اعلام شد و اوزان پس میاید همه ساله ایران را از اشتغال کامل اعلام داشت تفاوت در واقعیت موجود جامعه نمیکند وجه نهی سوسیده آریامهری اجازه به هد وجه نه هد . بعضی بیکاری از مختصات بارز اقتصاد در هم شکسته ایران است ، اما شاه که در دروغجوی حد و موزی نی شناسد و فاجت راجدی می رساند که در مصاحبه اخیرش با انشیکل (اطلاعات ۱۶ آذر ۱۳۵۵) در جواب خبر

نگار که میگوید : " ما وزارت خانه های شما ارقامی دریافت کرده ایم که بر اساس آن ، ایران در آری یک تا دو میلیون بیکاری ناشین نیمه روز است " در کمال بیشری میگوید که " این مطلب صحیح نیست " توگویی که آمار اقتصادی هم بر بنای " امال ملوکانه " میاید تعیین شوند و همه میاید چون اطرافیان بنه قربان گویی باشند و هر چه را که از دهان یاوه سرای آریا - مهر خارج میشود با " صحیح است ، احسن " پاسخ گویند . اما مردم ایران مشکلات اقتصادی را با جمله بیکاری را با تمام وجود خود حس میکنند و این سهل با نیبها هم در تغییر شرایط عینی اثری نمی توانند داشته باشند . در همین چند هفته اخیر در پی " فرمان شاه " و آغاز " مرحله دوم " ضد انقلاب شاه و ده بسیاری از کارگران و کارکنان از جز " اد ارات مورد هجوم کینه های فاشیستی " آزادی شاهنشاهی " قرار گرفته اند و تحت عناوین " کم کاری " و " بیکاری " از کار اخراج شده اند . توطئه نوین " مبارزه با بیکاری " و ضایعات " و اعمال صرفه جویی " که از سوی در دست بیکاره و تن پرور و انگل صفت شاه دامن زد شده است بمنظر سربویش نهادن بر رکود اقتصاد موجود است و کوششی است خائشانه جهت بحران به درون زحمتکشان میهن ما . همین بیرون ارتجاعی قبل از هر چیز یاوه سرایی در باره " اشتغال کامل " و " کمبود نیروی کار " را نشنیده بآب میکند .

اما تازه آنچه که تاکنون گفته شد تمام قضیه نیست ، زیرا اکتفیم که تعاریف قائلی و رزونی شده " بیکار ، رجزجوی کار " و " بیکار فعلی " حتی بیاگر گوشه کوچکی از واقعیت بیکاری در ایران نیستند ، زیرا آنچه که مشخصه بارز اینگونه جوامع مستی و غلب مانده است ، پدیده بیکاری نهسان و همراه با آن کم کاری (در معنای اشتغال ناقص) و نیمه کاری آشکار و پنهان است . در برررسی این پدیده ها ، ست که میتوان به عمق درک و عقب ماندگی اقتصاد ایران که باعث کوشیده و مشهود با بکار بردن یک سلسله تعاریف اقتصاد کشورهای سرمایه داری در ردین آنان جاشود ، پی برد .

۲- منظر از بیکاری نهان ، اشتغال عدده غیر- مزد بوری کسانست که بکار غیر تولیدی در کارخان نامایی (به منسوبین و اعضای خانوار روستایی و صاحب کارگاهه اطلاق میشود که از کارگاههای می کنند بد و اینگونه مزد با جویی دریافت دارند ، تأمین هزینه معاش و پوشاک این افراد که بصورت غیرممن و بیثبات انجام میگیرد مزد با جویی محسوب نمیشود) و کارکنان مستقل اشتغال دارند و معیار و دیگر کار آنها تأشیری در رشد تولید نه داشته و با اگر داشته باشند مزدی در آری آن دریافت نمیکند . اشتغال ناقص و نیمه کاری شامل کسانی میگردد که باید لیسل عقب ماندگی سطح تکنیکی و پیاپی سرمایه و وسایل لازم و پیاپی بودن نشدند با آری آنکه با تمام مدت سال را بکار اشتغال دارند و پیاپی بخش عمده ای از کارشان بحساب کارمول برداخته و منظر نمیگرد . بسیاری از کارگران فعلی را که در دست از سال کاملاً بیکارند ، میتوان جز " این ردی دوم شمرد . در مورد پدیده اول گزارش " سازمان بین المللی کار " یاد شده در بالا می نویسد : " بر مبنای سطح

تکنیک فعلی ، تولید کشاورزی میتواند توسط ۲/۶ میلیون نفر (بجای ۳/۶ میلیون نفر کنونی) کشاورز انجام گیرد ، و ۱۱ میلیون نفر در پیکر بالقوه بیکارند " و در همین نیروی کار شامل را که کارکنان فامیلی بد من هستند میاید در حقیقت بیکار بالقوه بحساب آورد و هم چنین تعدد انگیری از نیروی زنان کنونی را که بدلیل شرایط اجتماعی موجود قادر به جستجوی کاری نیستند در شمار همین بیکاران بالقوه گذارد . در مورد پدیده دوم گزارش یاد شده می نویسد : " ۴۰ درصد کار روستایی کمتر از ۴ ساعت در هفته کامیگردد و بزرگ نیروی کار روستایی تنها ۲۸ ساعت در هفته کار دارند " و اینها " عمده کارگران بد من زمین هستند که در سال کمتر از ۱۰ روز کارگرمی آوردند " و " باقیانشغال تا ۲۸ روزه (بجای ۱۹۷۵) میبوسد : " بزرگ کارکنان کشاورزی ، کار - گردن فعلی هستند " . در اینجا میاید به موه اشتباه کرد که این اشتغال ناقص هرگز بد من موه نیست که روستاییان زحمتکش مانده کاهلی و بیطالت وقت می گذرانند . در اردو سه مرتجع و فاشیست محمد رضا شاه که خود حافظ و حارس این سالیات پوسیده و عقب افتاده است ، باکی ندارد که ده ها متعفن و کفیف خود را بکشد و زیر زحمتکشان ایران را منجم به تن بریزی " و " بیکاری " نماید و بدلیل رکود اقتصادی و بسوز کشاورزی رانشی از کاهلی " روستاییان قلداد کند . زحمتکشان میهن ما بدین دلیل " تنبل " خوانده میشوند که در مقابل نشدند به اشتغال و مقاومت میکنند و از انجام کار بیشتر می بیکار خود آشکار منظر فرجه ترشدن در اردو سته و زلومت و سبکدرد حاکم در شمشه سرمایه داری خود داری میکنند . بگذر از همین جا بگویم که این " اتهام " باعث افتخار زحمتکشان میهن

مست و نشانه ایست از شد مبارزه و مقاومت آنان در مقابل شتی بزرگ مالکان و سرمایه داران خود فرودخته که بهربری شاه چون زالو با اقتصاد ما چسبیده - اند و خود جز بیکاری و تن بریزی و فساد هنر دیگری ندارند و میخوانند زندگی طفیلی و از خود را که از قبیل کارو کوشش با زوان توانای کارگران و دهقانان ایرانی تأمین میشود ، هر چه طولانی تر نمایند . این حس سلط زحمتکشان میهن ماست که نه تنها از بیکاری و ریز این زالو فشانان سرزاد زنده ، بلکه بیکار پروری همیشه شیشه عمر ننگین اینان را که از خون فرزند ان زحمتکش وطن ما پر شده است ، بیزیر مشت های پولادین خود خرد و خاکشگر کنند .

اشتغال ناقص ناشی از عقب ماندگی سیستم تولید در روستا است که اجازه رها شدن کامل این نیروی کارمهار شده و رانمید دهد و آنرا در راه معدود عقبه - ماندگی و رکود تولیدی حفظ میکند و تازه اکثریت آن تعدد ای نیز که به شهرها مهاجرت میکنند از زیر بوغ بیکاری رهایی کامل نی یابند بدلیل عدم قدرت جذب صنایع بطرق مختلف در شهرها به خیل بیکاران می پیوندند . برآی بالا بیکاری نهان در عرصه روستا بیابگر حرکت بطرفی گلناز سوسون ، کند پیاپی روند در هم شکسته شدن مناسبات کهن وجود و ادامه حیات اینگونه روابط نیمه فئودالی است ، و این دلیل است که روستاییان ماکه پرکارترین نیروی جمعیت را تشکیل میدهند با وجود کار بیش از ۱۴ ساعت در روز با بازدهی اندک مواجه اند . در پیکر اینکه همانطوری که اشاره کردیم این پدیده ها وجود عقب گدشان در مناطق روستایی در شهرها نیز نشدند با یافت میشوند ، که بویژه میاید بیا

بازر آرد زمین خیل عظیم مهاجرین روستایی که امروزه در اطراف شهرهای بزرگ و مخصوص تهران ، شیراز ، تبریز ، مشهد ، اصفهان ، آبادان ، اهواز ، بندر عباس و بوشهر در حله های گریشتیان و آلونک نشینان و غیره جمع هستند ، جستجو نمود . فقط در سه

سال	۱۳۵۰	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳
کل جمعیت بیکار (نفر)	۳۰۰۲۰	۳۰۸۲۰	۳۱۶۴۵	۳۲۴۴۱
جمعیت ده تا ۱۰ ساله (مرد و زن) بیکار (نفر)	۱۸۸۹۱	۱۹۴۸۰	۲۰۱۱۷	۲۰۸۸۰
..... (مرد)	۱۷۷۷۱	۱۸۰۸۱	۱۸۶۵۰	۱۹۲۴۲
..... (زن)	۱۱۱۱۱	۱۱۳۹۹	۱۱۴۶۷	۱۱۶۳۸
جمعیت فعال دهساله بالا (مرد و زن) بیکار (نفر)	۸۹۴۸	۹۱۹۷	۹۴۵۶	۹۷۲۰
..... (مرد)	۳۱۱۱۵	۳۱۱۱۲	۳۱۱۱۲	۳۱۱۵۸
..... (زن)	۸۷۲۲	۸۷۲۲	۸۷۲۲	۸۷۲۲
بیکاران در جستجوی کار و بیبوسند به فعالین بیکار (نفر)	۲۰۶۱۱	۲۱۱۱۱	۲۱۱۱۱	۲۱۱۱۱
بیکاران فعلی و	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱
محصلین دهساله بالا (بیرون دختر) بیکار (نفر)	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱
..... (زن)	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱
..... (مرد)	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱
زنان خانه دار (بیکار)	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱
درصد جمعیت فعال به جمعیت دهساله بالا (مرد و زن)	۴۱٪	۴۱٪	۴۱٪	۴۱٪
..... (مرد)	۴۱٪	۴۱٪	۴۱٪	۴۱٪
..... (زن)	۴۱٪	۴۱٪	۴۱٪	۴۱٪
بیکاران نهان (تقریباً) و بیبوسند به فعالین بیکار (نفر)	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱
نیروی کار بالقوه بیکار (تقریباً)	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱
کل بیکاری (در جستجوی کار فعلی و نهان) بیکار (نفر)	۳۰۲۷۰	۳۰۸۲۰	۳۱۶۴۵	۳۲۴۴۱
درصد بیکاری نسبت به جمعیت فعال (هـ)	۱۵-۳٪	۱۳-۳٪	۱۳-۳٪	۱۳-۳٪

(۱) - میان آماري تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران (سازمان برنامه - مرکز آمار ایران)
 (۲) - گزارش سالیانه بانک مرکزی ۱۳۵۳ . (۳) - سالنامه آماري ۱۳۵۳ .
 (۴) - سخنرانی وزیر حسین فرزانة (اطلاعات ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۱)
 الف - محصلین دهساله بالا = ۳۰ سال آخر ابتدائی (بزرگ دانش آموزان دوره ابتدائی در نظر گرفته شده که این خود تازه حد بالای تعیب است - برای سال ۱۳۵۰ ۳۰ سال آخر یعنی ۳۰ دوره ابتدائی در نظر گرفته شده است) بر اتمانی تحمیلی و دبیرستانهای عمومی (روزانه و شبانه) ، مدارس حرفه ای ، دانشسراها و مؤسسات تربیت معلم و دانشکدها و مدارس عالی .
 ب - این تعداد محصلین غیر فعال است . یعنی حداقل بین ۱۳ تا ۱۹ درصد محصلین جز جمعیت فعال حسابی آید .
 ج - تعداد زنان خانه دار از روی افزایش تعدد آنها در بین سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۱ محاسبه شده است .
 د - تعداد بیکاران فعلی که رضشان در دست نبوده ، منظور شده اند .
 ه - اگر بخواهیم تعدد بیکاران نهان روستا را نیز بحساب آوریم میاید حدود ۱۱٪ جمعیت فعال (یعنی بسک میلیون بیکاران نهان روستایی) را نیز به رقم درصد بزرگتر بیفزاییم .

تقریباً ۱ - از روی معادله (جمعیت فعال و زنان خانه دار و محصلین) - جمعیت دهساله تا ۱۰ ساله = بیکاران نهان محاسبه شده است . در این تقریب اولاً فرض شده که هیچک از محصلین کار نمیکند (حال آنکه تعدد بسیاری از آنان و بویژه محصلین شبانه و مدارس حرفه ای و عده بسیاری از دانشجویان جز " نیروی شائل هستند) و ثانیاً اینکه هیچکدام از زنان خانه دار نیز بالقوه در جستجوی کار نیستند و ثالثاً اینکه بیکاری نهسان در عرصه روستا (حداقل یک میلیون نفر) بحساب نیامده است . از اینرو این رقم حداقل و پایین ترین رقم ممکن بیکاران نهان است .
 تقریباً ۲ - از روی معادله (جمعیت فعال و زنان خانه دار ، محصلین) - جمعیت ده تا ۱۰ ساله = نیروی کار بالقوه بیکار محاسبه شده است . از یکسو کتیم که حداقل بین ۱۳ تا ۱۹ درصد محصلین فاعلند که این رقم در بار بیکار در تعداد محصلین بیکار در جمعیت فعال منظور شده ، که اینک میاید تعدد بیکاران نهان اضافه شود و از سوی دیگر طایف ادعای خود رژیم درصد فعالیت زنان (۱۳٪ بحجمیت زنان دهساله بالا) میاید حداقل تا ۱۷٪ باشد یعنی حداقل ۱۴٪ جمعیت زنان دهساله بالا (جز زنان خانه دار) بالقوه بیکارند که این معیار نیز از تعدد زنان خانه دار کم شده و به بیکاران نهان افزوده شده است .
 در محاسبه این تقریب نیز خود تقریباً ۱۱٪ بیکاران نهان روستایی بحساب نیامده است که با حساب آنها رقم برآیند بیشتر از مقدار فعلی خواهد بود .

مجلسی حاشیه نشین اطراف تبریز : مجلسی سیلاب تود - شخانه ، شاه آباد و محله فارس بیش از ۶۰ هزار نفر زندگی میکنند ، بیش از ۲۵ هزار حاشیه نشین در اطراف بندر عباس زندگی میکنند و در همین حد و در کساره های بوشهر جمع شده اند و البته به مراتب بیش از همه این ارقام ، رقم گریشتیان و آلونک نشینان اطراف تهران است که به چند صد هزار نفر می رسد و بجز شمال تهران در کنار های شهر در صد تیرین شرایط ممکن زندگی می کنند و بر طبق تحقیقاتی که توسط موسسات مطالعاتی و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران و دانشگاه تبریز بعمل آمده ، میزان بیکاری در میان این انبوه زحمت کشان به بیش از ۴۰ درصد نیروی فعال می رسد .

گزارش دیگری از " سازمان بین المللی کار " ، (مسایل ایجاد اشتغال در ایران - ۱۹۴۰) بر مبنای بررسی مجلسی که در آذر ۱۳۵۰ تهران می نویسد که ۸۱ درصد از مردان و ۷۷ درصد از زنان بخش اشتغال غیر مزدوری بعلت نیافتن کار در بخش مزدوری ، در بخش پرکار میکنند و آنان را باید در شمار جویندگان کار مزدوری (بیکار بالقوه یا بیکار نهان) بحساب آورد . هم چنین تعدد انگیری از دست نشانده در حد آن زیاد رها و فرزندگان بلطهایی سخت آرمایی و غیره را نیز میاید جز " کم کاران (شاغلان نا - قص) محسوب داشت . در مورد این پدیده که بیا - نگر واقعیت بیکاری در ایران هستند ، رژیم آماري ارائه نمیدهد و حتی آمار بیکاران فعلی نیز که تا چند سال پیش از این میشد امروزه متوقف گردیده است . ولی با اینصفت باز گاهی در روی تبلیغاتشان گفته ای از واقعیت به بیرون در می کنند . مثلاً در گزارش هشتمین گفرانس " ملی " کار در ضمن رجزخوانیهای افسوسناک اشتغال در طول برنامه پنجم میخوانیم که : " ۷۰۰ هزار امکان اشتغال برای کسانی است که در حال حاضر در فعالیتهای مختلف اقتصادی مخصوصاً کشاورزی با کم کاری آشکار و پنهان روبرو هستند " (کیهان ۲۷ اردی

بیکاران نهان (تقریباً) و بیبوسند به فعالین بیکار (نفر)

سال	۱۳۵۰	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳
کل جمعیت بیکار (نفر)	۳۰۰۲۰	۳۰۸۲۰	۳۱۶۴۵	۳۲۴۴۱
جمعیت ده تا ۱۰ ساله (مرد و زن) بیکار (نفر)	۱۸۸۹۱	۱۹۴۸۰	۲۰۱۱۷	۲۰۸۸۰
..... (مرد)	۱۷۷۷۱	۱۸۰۸۱	۱۸۶۵۰	۱۹۲۴۲
..... (زن)	۱۱۱۱۱	۱۱۳۹۹	۱۱۴۶۷	۱۱۶۳۸
جمعیت فعال دهساله بالا (مرد و زن) بیکار (نفر)	۸۹۴۸	۹۱۹۷	۹۴۵۶	۹۷۲۰
..... (مرد)	۳۱۱۱۵	۳۱۱۱۲	۳۱۱۱۲	۳۱۱۵۸
..... (زن)	۸۷۲۲	۸۷۲۲	۸۷۲۲	۸۷۲۲
بیکاران در جستجوی کار و بیبوسند به فعالین بیکار (نفر)	۲۰۶۱۱	۲۱۱۱۱	۲۱۱۱۱	۲۱۱۱۱
بیکاران فعلی و	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱
محصلین دهساله بالا (بیرون دختر) بیکار (نفر)	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱
..... (زن)	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱
..... (مرد)	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱
زنان خانه دار (بیکار)	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱
درصد جمعیت فعال به جمعیت دهساله بالا (مرد و زن)	۴۱٪	۴۱٪	۴۱٪	۴۱٪
..... (مرد)	۴۱٪	۴۱٪	۴۱٪	۴۱٪
..... (زن)	۴۱٪	۴۱٪	۴۱٪	۴۱٪
بیکاران نهان (تقریباً) و بیبوسند به فعالین بیکار (نفر)	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱
نیروی کار بالقوه بیکار (تقریباً)	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱
کل بیکاری (در جستجوی کار فعلی و نهان) بیکار (نفر)	۳۰۲۷۰	۳۰۸۲۰	۳۱۶۴۵	۳۲۴۴۱
درصد بیکاری نسبت به جمعیت فعال (هـ)	۱۵-۳٪	۱۳-۳٪	۱۳-۳٪	۱۳-۳٪

(۱) - میان آماري تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران (سازمان برنامه - مرکز آمار ایران)
 (۲) - گزارش سالیانه بانک مرکزی ۱۳۵۳ . (۳) - سالنامه آماري ۱۳۵۳ .
 (۴) - سخنرانی وزیر حسین فرزانة (اطلاعات ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۱)
 الف - محصلین دهساله بالا = ۳۰ سال آخر ابتدائی (بزرگ دانش آموزان دوره ابتدائی در نظر گرفته شده که این خود تازه حد بالای تعیب است - برای سال ۱۳۵۰ ۳۰ سال آخر یعنی ۳۰ دوره ابتدائی در نظر گرفته شده است) بر اتمانی تحمیلی و دبیرستانهای عمومی (روزانه و شبانه) ، مدارس حرفه ای ، دانشسراها و مؤسسات تربیت معلم و دانشکدها و مدارس عالی .
 ب - این تعداد محصلین غیر فعال است . یعنی حداقل بین ۱۳ تا ۱۹ درصد محصلین جز جمعیت فعال حسابی آید .
 ج - تعداد زنان خانه دار از روی افزایش تعدد آنها در بین سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۱ محاسبه شده است .
 د - تعداد بیکاران فعلی که رضشان در دست نبوده ، منظور شده اند .
 ه - اگر بخواهیم تعدد بیکاران نهان روستا را نیز بحساب آوریم میاید حدود ۱۱٪ جمعیت فعال (یعنی بسک میلیون بیکاران نهان روستایی) را نیز به رقم درصد بزرگتر بیفزاییم .

تقریباً ۱ - از روی معادله (جمعیت فعال و زنان خانه دار و محصلین) - جمعیت دهساله تا ۱۰ ساله = بیکاران نهان محاسبه شده است . در این تقریب اولاً فرض شده که هیچک از محصلین کار نمیکند (حال آنکه تعدد بسیاری از آنان و بویژه محصلین شبانه و مدارس حرفه ای و عده بسیاری از دانشجویان جز " نیروی شائل هستند) و ثانیاً اینکه هیچکدام از زنان خانه دار نیز بالقوه در جستجوی کار نیستند و ثالثاً اینکه بیکاری نهسان در عرصه روستا (حداقل یک میلیون نفر) بحساب نیامده است . از اینرو این رقم حداقل و پایین ترین رقم ممکن بیکاران نهان است .
 تقریباً ۲ - از روی معادله (جمعیت فعال و زنان خانه دار ، محصلین) - جمعیت ده تا ۱۰ ساله = نیروی کار بالقوه بیکار محاسبه شده است . از یکسو کتیم که حداقل بین ۱۳ تا ۱۹ درصد محصلین فاعلند که این رقم در بار بیکار در تعداد محصلین بیکار در جمعیت فعال منظور شده ، که اینک میاید تعدد بیکاران نهان اضافه شود و از سوی دیگر طایف ادعای خود رژیم درصد فعالیت زنان (۱۳٪ بحجمیت زنان دهساله بالا) میاید حداقل تا ۱۷٪ باشد یعنی حداقل ۱۴٪ جمعیت زنان دهساله بالا (جز زنان خانه دار) بالقوه بیکارند که این معیار نیز از تعدد زنان خانه دار کم شده و به بیکاران نهان افزوده شده است .
 در محاسبه این تقریب نیز خود تقریباً ۱۱٪ بیکاران نهان روستایی بحساب نیامده است که با حساب آنها رقم برآیند بیشتر از مقدار فعلی خواهد بود .

